

## معنایابی و گردش‌گری مذهبی: مطالعه مردم‌نگارانه

زهرا معاون\*

مجید موحد\*\*، منصور طبیعی\*\*\*

### چکیده

زیارت بخش مهمی از فعالیت‌های مربوط به گردش‌گری مذهبی را در بر می‌گیرد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی به توصیف چگونگی معنایابی زنان در گردش‌گری مذهبی می‌پردازد. در چهارچوب مفهومی نگاهی به گردش‌گری وجودی کوهن انداخته شده و از روش مردم‌نگاری برای اجرای عملیات تحقیق استفاده شده است. تکنیک گردآوری داده‌ها مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته بوده است و مشارکت‌کنندگان با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و یافته‌ها از طریق تحلیل موضوعی تحلیل شده‌اند. جامعه مطالعه شده گردش‌گران زن بقاع متبرکه شهر شیراز بودند که از طریق مصاحبه عمیق با سی نفر داده‌ها جمع‌آوری شده است. یافته‌ها حاکی از این است که سفر زیارتی علاوه‌براین که سفری بیرونی است، می‌تواند سفری درونی باشد و موجب برقراری تعاملات فردی، میان‌فردی، و فرامادی و اتصال و نزدیکی فیزیکی و قلبی در فضایی مملو از عاطفه دینی و فارغ از هرگونه تعلق و روزمرگی شود که درنهایت به معنایابی و جست‌وجوی خود حقیقی منجر می‌شود. زیارت بیان‌کننده جست‌وجوی روحانی وجودی به‌سوی نیرویی ماورایی است. بنابراین، به زائر کمک می‌کند که به چشم‌اندازی درونی دست پیدا کند و به سفری فراتر از زمان و مکان برود. درواقع، چنین سفری برای زنان فرصتی مغتنم است که از کارهای روزمره جدا شوند و به کنکاشی عمیق بپردازند تا گمشده‌های درونی خود را بیابند.

**کلیدواژه‌ها:** معنایابی، گردش‌گری مذهبی، مردم‌نگاری، تحلیل تماتیک.

\* دکترای جامعه‌شناسی (تغییرات اجتماعی)، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، z.moaven@shirazu.ac.ir

\*\* استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، movahed@rose.shirazu.ac.ir

\*\*\* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، mtabiee46@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

گردش‌گری یک نظام معناست که هر فرد با هدفی از مکانی به مکانی جابه‌جا می‌شود و سلسله تجربیات و اتفاقاتی را درک می‌کند. لذا این حرکت سه عنصر انگیزه، زمان، و جابه‌جایی فیزیکی دارد که در بطن خود سطحی از تعاملات و رویارویی فرهنگی را فراهم می‌سازد (Goeldner and Ritchie 2003). گردش‌گری به منزله فعالیت پویا و نظام‌مند، امکان تحول و بازسازی را به گردش‌گران می‌دهد و بسیاری از پویایی‌ها و تحولات احتمالی دل‌خواه گردش‌گران را ایجاد خواهد کرد (شفیعا ۱۳۹۵: ۵). یکی از اشکال گردش‌گری گردش‌گری مذهبی است که بر زیارت و حضور در اماکن مذهبی تأکید دارد. گردش‌گری مذهبی به‌عنوان یک تمرین اجتماعی در تغییر فرد و قراردادن وی در فضای اجتماعی ویژگی‌های مهم فرهنگی - اجتماعی است. بنابراین، گردش‌گری مذهبی نوعی از گردش‌گری است که از پتانسیلی اجتماعی - فرهنگی برای تغییرات حالات انگیزه‌ای یک فرد، که نیاز به مسائل فرهنگی و مذهبی در حضور معنوی دارد، برخوردار است (Rysbekova et al. 2014).

ریشه گردش‌گری را زیارت و سفرهای مذهبی دانسته‌اند که از دیرباز در زندگی نسل بشر به‌مثابه یک وظیفه و یک اقدام پسندیده، نسل‌به‌نسل ادامه داشته است (Goeldner and Ritchie 2003). سفر زیارتی مسیری است برای رسیدن به «خود واقعی انسان» و رسیدن به چیزی یا کسی که به ما کمک می‌کند معنای واقعی «زنده‌بودن» را متوجه شویم و درنهایت مفهوم زندگی را درک کنیم (باقرنیا و احمدنیا ۱۳۹۳: ۳۰۴). در دهه‌های اخیر، سفرهایی که با انگیزه‌های معنوی و مذهبی انجام می‌شوند رواج پیدا کرده‌اند و طرف‌داران زیادی را به خود جذب کرده‌اند که از میان این طرف‌داران حضور زنان در زیارت‌گاه‌ها بسیار چشم‌گیر است.

از آن‌جاکه زنان و بانوان ارکان سازنده هر جامعه‌ای هستند و مهم‌ترین نقش‌ها را به‌عنوان همسر و مادر در جامعه ایفا می‌کنند، بدیهی است در صورتی که جامعه این نقش‌ها را ارج نهد و بسترهای لازم برای رشد، شکوفایی، و تعالی آن‌ها را فراهم سازد، آن جامعه در کمال سعادت اخلاقی، اجتماعی، و انسانی خواهد بود. سفر زیارتی یکی از راه‌هایی است که امروزه برای رشد و شکوفایی مورد توجه همه از جمله زنان است. ظهور گردش‌گری مذهبی باعث شده که از یک سو زنان فارغ از هرگونه تنش‌های سیاسی و اجتماعی بتوانند فرهنگ‌ها و شیوه زندگی رایج میان قومیت‌های مذهبی یک ملت یا قوم میزبان را بهتر درک کنند و از دیگر سو، مکانی امن برای حضور و بازاندیشی درباره رفتارهای خود یافته‌اند. در حوزه

فعالیت‌های دینی زنان کنترل بیش‌تری در مقایسه با آنچه در گذشته داشته‌اند پیدا کرده‌اند. بسیاری از زنان از آن جهت در فعالیت‌های معنوی شرکت می‌کنند که این مسیر وسیله‌ای برای دسترسی بیش‌تر به قلمروهای عمیق‌تر روح و روان است.

در این مقاله، با توجه به اهمیت زنان به‌عنوان ارکان سازنده جامعه، شیوه معنایابی آن‌ها بررسی می‌شود. اهمیت معنا در زندگی مدرن از آن‌جا ناشی می‌شود که با ورود به جهان مدرن، نظام‌های ارزشی سنتی با چالش‌هایی مواجه شده‌اند و سیال‌بودن جهان زندگی مدرن، کثرت معناها و روایت‌های متعدد از آن انسان‌ها را دچار سرگشتگی و اضطراب کرده است (سراج‌زاده و رحیمی ۱۳۹۲: ۱). گردش‌گری مذهبی می‌تواند انسان را از این سرگشتگی برهاند.

از آن‌جایی که زندگی اجتماعی مردم از طریق تعاملات اجتماعی میان افراد گسترده می‌شود و واسطه تعامل میان افراد معانی‌ای است که شامل رفتارهای فرهنگی، مذهبی، دینی، اقتصادی، و ... می‌شود. فرهنگ دینی و رفتارها و مراسم مذهبی بخشی از زندگی اجتماعی مردم‌اند. در فرهنگ دینی، دعا، نیایش، نماز، زیارت، و عزاداری دسته‌جمعی انجام می‌شود و ما همواره در مکان‌های مذهبی مانند مساجد، امام‌زاده‌ها، و مرقد امامان این اعمال را مشاهده می‌کنیم (جوادی ۱۳۸۸: ۲۰). بنابراین، زنان گردش‌گر مشارکت‌کننده در این مکان‌ها مطالعه شدند.

با وجود اهمیت مناسب زیارت و آثار اجتماعی گسترده آن در ایران، تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در این زمینه بسیار محدود بوده است. بنابراین، ضرورت انجام پژوهشی مردم‌شناختی درباره کنش زیارت و ارائه توصیفی غنی از معنا و مناسب از یک‌سو و مطالعه گردش‌گران زن به‌عنوان کنش‌گرانی که در جست‌وجوی اماکن مقدس و متبرک هستند، از دیگر سو، ضرورت انجام چنین پژوهشی را آشکار می‌نماید.

از همین رو، این پژوهش با مدنظر قراردادن رویکرد کیفی به توصیف چستی و چگونگی جست‌وجوی معنا نزد گردش‌گران زن از طریق پدیده زیارت در شهر شیراز می‌پردازد و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال کلی است که «کشف معنا توسط گردش‌گران زن در سفرهای زیارتی چگونه صورت می‌گیرد؟».

## ۲. چهارچوب مفهومی

سفر زیارتی، در معنای سنتی آن، سفری درونی است که نیروهای الهی و پدیده‌های پیچیده معنوی نیز در آن دخیل‌اند. به‌طور کلی انسان به هر دو نوع سفر درونی و بیرونی نیاز دارد

(Bhardwaj 1973). در گردش‌گری مذهبی از یک سو باور مذهبی نقش دارد و از دیگر سو زمانی که گردش‌گران صرف دیدن مکان‌های مذهبی می‌کنند، تقریباً شبیه زیارت است. جنبه دیگر واقعیت این است که این گردش‌گران قبل از این که قصد سفر داشته باشند، انگیزه‌های مذهبی برای سفر دارند؛ هرچند مقاصد و دلایل دیگری از جمله جستارها و کنکاش‌های تاریخی و مسائل مذهبی هم ممکن است در بین باشد. به طور کلی، این نوع از گردش‌گری نمایش ویژه‌ای از نوعی گردش‌گری فرهنگی است که ارتقا یا افزایش محصولات فرهنگی مختلف را به دنبال دارد و از طرفی موجب غنای فکری و معنوی نیز می‌شود. جالب توجه است که بخش مهمی از گردش‌گری فرهنگی به عنوان گردش‌گری در مکان‌های مذهبی شناخته می‌شود (Santos 2000).

از منظر جامعه‌شناسی «زیارت کنشی معطوف به ارزش است و آن دست‌یافتن به رستگاری و تقرب به خداوند است» (بهروان ۱۳۸۶: ۱۰). ترنر معتقد است زیارت پدیده‌ای آستانه‌ای (بارگاهی) است و آن را فرایندی مناسکی تعریف می‌کند. اساس استدلال ترنر (Turner) این است که نقطه مرکزی در عالم زیارت فرد مکان زیارت است. لذا فرد به طور خاص به بعد فضایی زیارت توجه می‌کند. پرستون (Preston 1992) معتقد است کلید فهم زیارت جاری بودن آن در بین مردم است. زیارت «جاری شدن مردم، ایده‌ها، نمادها، تجارب، و وصول یافتن» است و ریشه این جریان اجتماعی را باید در مدارک معتبر مذهبی جست‌وجو کرد. نکته مهم در مفهوم عبادی زیارت ربط آن با خالق است و این امر آن را از اعمالی که با مخلوق رابطه دارد جدا می‌کند (یوسفی و همکاران ۱۳۹۱: ۵۸).

باتوجه به این که فهم منظر زائر شیعی در این مقاله مورد نظر است، پس از مرور اجمالی مفهوم زیارت در تفکر اسلامی با بینش شیعی به زیارت امام، چهارچوب مفهومی تحقیق ارائه می‌شود.

## ۱.۲ امر قدسی و زیارت امام در اندیشه اسلامی

در جهان‌بینی اسلامی امر قدسی و زیارت جایگاه ویژه‌ای دارد. برای انسان دین‌دار در هر عصری برخی از زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت و متمایزند. سیدمحسن امین در کشف‌الارتیاب می‌گوید: هم‌چنان که یک فرد که مثل دیگران است و با مبعوث شدن به رسالت واجب‌الاطاعه می‌شود و موقعیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، یک قطعه زمین هم دراصل با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می‌شود، به واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی پیدا می‌کند که از قبل نداشته است. از این رو، احترامش لازم و اهانتش

حرام می‌گردد. از جمله احترامات آهنگ زیارت آن کردن و بنای قبه و بارگاه و ضریح است (طالبی و علی‌پور ۱۳۹۲: ۵). از نظر شیعه امام همیشه زنده است و بر اعمال، احوال، و احساس زائر آگاه است. مطهری در کتاب *امامت و رهبری* می‌گوید: «هیچ عصر و زمانی از یک ولی کامل خالی نیست و برای آن انسان کامل مقامات و درجات زیادی قائل‌اند» (مطهری ۱۳۸۷: ۳۳).

در این بخش از مقاله، برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط برای رهنمون‌سازی اهداف تحقیق آورده شده‌اند. با توجه به این که تحقیق حاضر به روش مردم‌نگاری انجام می‌شود، لذا از این نظریه‌ها به عنوان راه‌نمای نظری برای تفسیر و تبیین بیش‌تر ابعاد موضوع مطالعه یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری (Strauss and Corbin 1998) در تحقیق استفاده شده است.

## ۲.۲ کنش متقابل نمادین

تأکید اصلی در این رویکرد روش‌های گوناگونی است که افراد از طریق آن‌ها به پدیده‌ها، رویدادها، تجربیات، و ... معنا می‌بخشند. بر مبنای این فرض اساسی، قاعده روش‌شناختی ایجاد می‌کند که دیدگاه فرد بررسی‌شونده از جهات گوناگون بازسازی شود و در وهله اول به شکل نظریه‌های شخصی به منظور تشریح جهان یا دست‌کم حوزه خاصی از پدیده‌ها برای خودشان درآید (ریتزر ۱۳۷۴: ۳۰۳). گردش‌گران نیز بر مبنای معنایی که گردش‌گری برایشان دارد با آن رفتار می‌کنند. در واقع، معنای گردش‌گری از تعامل اجتماعی گردش‌گری با دیگر گردش‌گران و در مکان‌های گردش‌گری به وجود می‌آید و این معانی به وسیله تفسیرهای گردش‌گران اصلاح می‌شود و در مواجهه با مکان‌های گردش‌گری که از آن‌ها دیدن می‌کنند، آن تفسیرها استفاده می‌شود. همچنین گردش‌گران با روش‌های گوناگونی به تجربیات خود از گردش‌گری معنا می‌بخشند. هنگامی که یک گردش‌گر تجربه خود را به طور واقعی تعریف می‌کند، گردش‌گری پی‌آمدهای واقعی می‌یابد. محقق نیز باید به جهان مورد مطالعه خود (در این جا گردش‌گری) از زاویه دید افراد مورد مطالعه اش نگاه کند و بر مبنای این فرض اساسی، دیدگاه گردش‌گران بررسی‌شونده از جهات گوناگون بازسازی می‌شود.

می‌توان گفت مهم‌ترین مضامین در کار همه کنش متقابل‌گرایان عبارت‌اند از: اهمیت معنا، تعبیر، و تفاسیر مختلف کنش‌گران، اعتبار و ارزش بخشیدن به معنا، و اهمیت دادن به ارزش‌های هنجاری و الگوها (شمسی‌پور و همکاران ۱۳۹۳: ۱۰).

## ۳.۲ گردش‌گری وجودی

کوهن به بسط نوع‌شناسی تجارب گردش‌گری می‌پردازد. او به بررسی پنج روش عمده از تجارب گردش‌گری پرداخته است: ۱. روش تفریحی، ۲. روش انحرافی، ۳. روش تجربی، ۴. روش آزمایشی، و ۵. روش وجودی. این روش‌ها برای ایجاد پیوند میان تجربه گردش‌گر به‌عنوان مسافری که به‌دنبال خوشی محض است و گردش‌گر دینی که در جست‌وجوی کانون دیگر است، طبقه‌بندی شده‌اند.

در روش وجودی، محقق ویژگی مسافری را بیان می‌کند که به کانون معنوی انتخابی خود متعهد است. مانند فردی که مرز فکری‌اش از جامعه و فرهنگش جداست. مسافری که در پی زندگی در جزیره‌ای مرجانی در نقطه‌ای دور در اقیانوس آرام است و به تحقق آرزوها برای سادگی و نزدیکی به طبیعت راه می‌یابد، از نمونه‌های تجارب گردش‌گری وجودی است. فردی که با کانون بیرونی انتخابی ارتباط دارد، از زندگی فاصله می‌گیرد، و گویی که در تبعید زندگی می‌کند. تجربه زندگی در کانون مسافر را در زندگی روزانه به‌صورت تبعیدی نگه می‌دارد. کسانی که عمیقاً به مرکز معنوی جدید تعهد دارند ممکن است برای همیشه به آن پای‌بند شوند و زندگی جدیدی را با تسلیم کامل خود به فرهنگ یا جامعه‌ای که براساس تشخیص موقعیت کانون بنا شده است شروع کنند. این گروه افراد زیادی را شامل می‌شوند و تعداد آنان در دنیای پرتحرک در حال افزایش است؛ افرادی که به‌دلایل واقعی قادر به حرکت مداوم به‌سوی کانون انتخابی خود نیستند، اما در دو دنیا زندگی می‌کنند: دنیای زندگی روزانه آنان که در آن سرگرمی‌های مفیدی را دنبال می‌کنند، اما برای آنان فاقد معنا و مفهوم عمیق‌تری است و دنیای کانون انتخابی‌شان که در سفرهای دوره‌ای آن را ترک می‌کنند تا ارزش معنوی بیابند. کانون گردش‌گر وجودی از همان ابتدا کانون فرهنگ وی نیست، کانون گزینش اوست و به آن گرویده است. از این‌رو، کانون نه‌فقط خارج از منزل روزانه‌اش است، بلکه فراتر از مرزهای جهان هستی روزانه‌اش قرار می‌گیرد و از ارزش کارش نمی‌کاهد. بنابراین، در تبعید به‌سر می‌برد (آپوستوپولوس ۱۳۸۳: ۸۰).

## ۳. پیشینه تجربی

شفیعا و محمدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «ارائه الگوی تجربه معنوی گردش‌گران زن از هیتچهایک» (Hitchhiking) به مطالعه معنویت می‌پردازند و بیان می‌کنند که گروه‌های اجتماعی زنان در سال‌های اخیر علاقه خود را به سفرهای پرمخاطره هیتچهایک نشان

داده‌اند و ابراز کرده‌اند که معنویت خاص این سفرها آن‌ها را به تجربه مجدد این ریسک سوق داده است. یافته‌ها حاکی از این است که تمایل به خودشناسی و رهایی از روزمرگی مهم‌ترین عوامل علی برای تجربه معنوی از هیئت‌چهایک است که تحت تأثیر صمیمیت در تعامل با غریبه‌ها، تفکرات منفی اطرافیان، و مشکلات و سختی‌های سفر قرار دارد (شفیعا و محمدی ۱۳۹۶).

شمسی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌شان با عنوان «معنایابی و معناسازی متقابل گردش‌گر و گردش‌گری، مطالعه موردی: شهر همدان» با رویکرد کنش متقابل نمادین به مطالعه چگونگی معنایابی و تفسیر گردش‌گران از گردش‌گری و مکان‌های گردش‌گری می‌پردازد. پژوهش در تمامی مراحل بررسی خود متأثر از رویکرد روش‌شناسی گافمن و بلومر است. تعداد سیزده مقوله که همه آن‌ها از یافته‌ها نشئت گرفته‌اند استخراج شد که عبارت‌اند از: جست‌وجوی اصالت، سوژه ادبی، گریز از یکنواختی، فردگرایی، جمع‌گرایی، خدانشناسی، طبیعت‌گرایی، زیبایی‌شناسی، تعامل فرهنگی، ارزش‌مندی آثار باستانی، تعامل فرهنگی، سوژه‌ای مشهور، جاذبه‌های معماری، آب‌وهوای مطلوب (شمسی‌پور و همکاران ۱۳۹۳).

موسوی و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی نقش امام‌زادگان در توسعه گردش‌گری زیارتی (مطالعه موردی: حرم مطهر حضرت احمد بن موسی (ع))» بیان می‌کنند که گردش‌گران برای زیارت اماکن، آثار، یادمان‌های مذهبی، انجام اعمال مذهبی و دینی، آموزش و گذراندن اوقات فراغت به مکان‌ها و مراکز مذهبی سفر می‌کنند. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد متغیرهای وجود اماکن زیارتی و برگزاری مراسم‌های مذهبی و بعد اقتصادی گردش‌گری زیارتی بیش‌ترین تأثیرات را در توسعه گردش‌گری زیارتی در حرم مطهر شاه‌چراغ دارد (موسوی و همکاران ۱۳۹۳).

یوسفی و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع)»، که تحلیل پدیدارشناختی تجارب زیارتی شش زائر در مشهد است و به‌روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شده‌اند، نشان داد که اولاً مناسک زیارت عقیده به تقدس و عقیده به شفاعت است که برحسب اشتراک معنا به سه مقوله کلی‌تر شامل آداب‌مندی زیارت، عقیده به خارق‌العادگی زیارت، و جذبه قابل‌تقسیم است؛ ثانیاً هر سه مقوله معنایی مذکور در همه تجارب زیارتی مشارکت‌کنندگان وجود دارد. درمقابل، وجه تفریدی زیارت عمدتاً مربوط به میزان رعایت آداب زیارت، ادراک خارق‌العادگی زیارت‌شونده و میزان جذبه و پیوستگی به اوست (یوسفی و همکاران ۱۳۹۱).

آباد و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «زیارت به‌عنوان تجربه گردش‌گری» به بررسی زیارت با روش ترکیبی کمی و کیفی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از این است که گردش‌گران مذهبی وفادارترین نوع شناخته‌شده از گردش‌گری هستند. بازدیدکنندگان سایت‌های میراث در امتداد مسیرهای مذهبی می‌توانند به‌عنوان توریست فرهنگی تعریف شوند. زیارت به گردش‌گر کمک می‌کند که درک عمیق‌تری به‌منظور کشف ابعاد جدید خود به‌دست آورد (Marina Abad et al. 2016).

درول و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «یک چشم‌انداز جدید از انگیزه‌های غیرمذهبی بازدیدکنندگان از مکان‌های مذهبی» به بررسی پدیده گردش‌گری مذهبی پرداختند. در این مقاله، که به‌صورت پیمایشی صورت گرفته است، نتایج مطالعه حاکی از این است که بازدیدکنندگان به‌طور عمده به‌وسیله نیاز خودشکوفایی یعنی تمایلشان برای بهترشدن تحریک شده‌اند. این مقاله مبنایی را برای یک رویکرد جای‌گزین از سفر مذهبی و درک بهتر از بازار هدف این شکل خاص از گردش‌گری، که به‌تدریج در حال توسعه است، ارائه می‌دهد (Drule et al. 2012).

کالینز (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «گردش‌گری زیارتی یهودیان کنونی» به مقوله‌سازی تجربه بازدیدکنندگان یهودی از مکان‌های مقدس اسرائیل می‌پردازد. مهم‌ترین ملاک در تحلیل کرینر پارامتر تعلقات مذهبی است. نتایج این تحقیق حاکی از این است که می‌توان تیپ‌های مختلف زائران را روی یک پیوستار سامان داد. در یک سوی این پیوستار یهودیان ارتدوکسی که آداب دعا و زیارت را به‌جا می‌آورند و در سوی دیگر گردش‌گرانی که به‌اصطلاح، گردش‌گران میراثی یا معنوی خوانده می‌شوند و از سر کنجکاوی علاقه فرهنگی یا تلاش برای یافتن معنای زندگی به سفر می‌آیند (Colins 2010).

آندیروتیس (۲۰۰۸) در اثری با عنوان «تجربه مکان‌های مقدس، یک مطالعه پدیدارشناسانه» یافته‌هایی از تجربیات افراد بازدیدکننده از حرم یک قدیس یونانی در کوه آتوس، که به‌عنوان کوه مقدس نیز شناخته می‌شود، ارائه داده است. یافته‌های تحقیق بیان‌گر پنج عنصر اصیل مشترک در تجربه زیارت است که عبارت از غرق‌شدن بازدیدکنندگان در معنویت فضای حرم، عنصر فرهنگی، سکولاریسم، خطابه‌های راهبان، و آموزش‌های خارج از کلاس است که به‌عنوان یک عنصر آموزشی در تجربه زیسته زائران است (Andriotis 2008).

هینمن (2002) در مطالعه‌اش با عنوان «زیارت در تبت: کشف مردم‌نگاری از فرهنگ‌های متقاطع» بیان می‌کند که طیف گسترده‌ای از تجربه‌های متنوع در تبت نشان



می‌دهد که چگونه انتظارات و انگیزه‌ها مردم را به سفرهای مقدس در تبت می‌برد. برخی از مردم تبت را ترک می‌کنند، درحالی‌که از خواب غفلت بیدار شده‌اند و به بسیاری از امیدها و آرزوهای خود رسیده‌اند. دیگران به‌نظر می‌رسد که تبت را همان‌گونه‌که در جست‌وجوی آن بودند می‌یافتند (Hinmon 2002).

باتوجه‌به مطالعات مذکور می‌توان بیان کرد که در ایران مطالعات محدودی درباره‌ی زیارت به‌روش‌های کمی و کیفی صورت گرفته است. در مطالعات کمی اغلب بر نقش و کارکرد زیارت در توسعه‌ی گردش‌گری و فضای شهری تأکید شده است و در مطالعات کیفی، که اغلب با روش پدیدارشناسی و نظریه‌ی مبنایی صورت گرفته است، تقابل زائر گردش‌گر، تجربه‌ی زائران، و معنا و مفهومی که زائران از زیارت دارند بررسی شده است. در مطالعات خارجی نیز زیارت با روش‌های کمی و کیفی مطالعه شده است. اما همان‌گونه‌که کلمن بیان می‌کند، تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در این زمینه بسیار محدود بوده و به‌تعبیر کلمن زیارت به‌ندرت موردتحلیل نظری و در میدان دید روش‌شناسی مردم‌نگار قرار گرفته است (Colmen 2002).

در نتیجه می‌توان بیان کرد این مطالعه، که با رویکرد پژوهش کیفی انجام می‌گیرد، از آن جهت اهمیت دارد که مطالعات انجام‌شده قبلی، غالباً با روش‌های کمی و براساس مقولات و الگوهای رایج صورت گرفته‌اند و بر وجوه ظاهری و اثباتی زیارت تمرکز داشته‌اند. نتیجه‌ی مطالعه مردم‌نگارانه کنش زیارت از منظر گردش‌گران داخلی زن، باتوجه‌به فرهنگ بومی و مفاهیم نظری اسلام شیعی، شناخت بهتری از پدیده‌ی زیارت و کنش زیارت گردش‌گران زن ایرانی به‌نحو بومی فراهم می‌کند.

#### ۴. روش تحقیق

رویکرد نظری این پژوهش کیفی و با استفاده از روش مردم‌نگاری انجام شده است. مردم‌نگاری روشی است که براساس آن محقق به مطالعه رفتارها و فعالیت‌های افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی می‌پردازد (محمدپور و رضایی ۱۳۸۷: ۱۰) برای گردآوری داده‌های کیفی از روش‌های مشاهده مستقیم، مشاهده مشارکتی، و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی از نوع هدف‌مند بوده و حجم نمونه نیز به سطح اشباع نظری اطلاعات جمع‌آوری شده بستگی دارد. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یابد و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (Glaser and Strauss 1967).

در این پژوهش، انتخاب نمونه در دو سطح صورت گرفته است. یکی انتخاب میدان مطالعه به‌عنوان «مورد» و دیگری نمونه‌گیری از درون میدان. در مرحله نخست، از میان بقاع متبرکه شهر شیراز، باتوجه به ویژگی‌هایی از جمله بیش‌ترین آمار گردش‌گران ورودی و شناخته‌شده بودن، حرم‌های حضرت احمد بن موسی (ع)، حضرت سیدعلاءالدین حسین (ع)، و حضرت علی بن حمزه (ع) انتخاب شدند. مرحله دوم نمونه‌گیری مربوط به بعد از ورود به میدان انتخاب‌شده برای پژوهش بود، که در این مرحله از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. با این حال، گفته می‌شود که در مطالعات کیفی حجم نمونه نباید از کم‌تر از بیست نفر باشد. بر همین اساس، با سی نفر از افراد مصاحبه‌شد که در روش کیفی اصطلاحاً آن‌ها را دروازه‌بانان یا مطلعان می‌خوانند (محمدپور و رضایی ۱۳۸۷: ۱۰). برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز به افرادی مراجعه شد که هم سفر زیارتی را تجربه کرده بودند و هم قادر بودند توصیفی غنی ارائه کنند. داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل موضوعی (thematic analysis) تحلیل و بررسی شدند. پس از اطلاق کد مناسب به همه گویه‌های متنی، تم‌های اصلی (basic theme)، تم‌های سازمان‌دهنده (organic theme)، و تم‌های سراسری (کلی) (global theme) سازمان‌یابی شدند. در تحلیل موضوعی محقق با طبقه‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها به استخراج یک‌سری مفاهیم و الگوهای بنیادین معنایی می‌پردازد. در این مطالعه، به‌منظور ارزیابی اعتبار یافته‌ها، از تکنیک‌های ممیزی و ارزیابی توسط اعضا استفاده شد.

## ۵. یافته‌های تحقیق

برای انجام این تحقیق با سی نفر مصاحبه عمیق انجام شد و گفت‌وگوها تا اشباع اطلاعات ادامه یافتند. مصاحبه‌ها در قالب گفت‌وگو و با طرح چند سؤال کلی برای مشارکت‌کننده‌ها انجام شد. تلاش شده بود که سؤالات تاحد ممکن کلی و با کم‌ترین میزان تأثیر در جهت‌دهی درباره موضوع ارائه و طراحی شوند. معیارهای اصلی انتخاب افراد برای مصاحبه داشتن تجربه سفر زیارتی، گردش‌گری بودن، و داشتن جنسیت زن بود. برای انتخاب افراد و نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. ترکیب سنی مشارکت‌کنندگان از ۱۸ تا ۵۷ سال بود و تحصیلات آن‌ها از دیپلم تا دکتری. همه گفت‌وگوها در حین مصاحبه ضبط شدند و سپس همه آن‌ها پیاده شدند. گفت‌وگوها پس از پیاده‌شدن در دو سطح دسته‌بندی شدند: ۱. به‌صورت عبارت و گویه‌های تک‌جمله‌ای برای این که امکان کدبندی

اولیه و نیز تعیین تم‌های اولیه اصلی امکان‌پذیر شود؛ ۲. مصاحبه‌ها به صورت عبارت‌های چندگانه و مجموعه‌ای از عبارات نیز دسته‌بندی و کدگذاری شدند و سپس تم اصلی براساس این نوع دسته‌بندی اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری‌شده، انجام شد. تم اصلی، تم سازمان‌دهنده، و تم کلی به صورت زیر تدوین و ساخت‌بندی شدند.

### ۱.۵ تم کلی: معنایابی

تم‌های سازمان‌دهنده، که به تدوین این تم کلی منجر شدند، به شرح زیر هستند:  
- سفر، رهایی از روزمرگی، تجربه عاطفی، اتصال و عینیت‌بخشی، تعامل، و تنوع ارزشی.

جدول ۱. تم کلی معنایابی

تنوع ارزشی	تعامل	اتصال و عینیت‌بخشی	تجربه عاطفی	رهایی از روزمرگی	سفر	تم سازمان‌دهنده
اخلاقی اجتماعی اعتقادی	تعامل فردی تعامل میان‌فردی تعامل فرامادی	زیارت ضریح اتصال قلبی	برانگیخته‌شدن سبک‌شدن اشک‌ریختن	عدم تعلق دوری از مادیات خلوت‌گزینی دل‌گسستن از دنیا	سفر فیزیکی چالش سفر	تم اصلی

### ۱.۱.۵ «سفر»

#### ۱.۱.۱.۵ سفر فیزیکی

کلمن واید (۲۰۰۴) تلاش می‌کند مطالعات زیارت را بر مبنای مفهوم حرکت بازسازی کند و در این خصوص چهار نوع حرکت را شناسایی می‌کنند: حرکت به‌عنوان یک کنش عملی، حرکت به‌عنوان یک حوزه شناختی، حرکت به‌عنوان یک عمل فیزیکی، و در نهایت حرکت به‌عنوان یک استعاره. مورینیس نیز با میناقراردادن هم‌زمان تجربه امر قدسی و حرکت، زیارت را این‌گونه تعریف می‌کند: «زیارت سفری است که توسط فرد یا افرادی در طلب مکان یا حالتی که آن را تجسم یک ایده‌آل ارزش‌مند می‌دانند، صورت می‌گیرد» (Morinis 1992: 4). به‌طور کلی، این سه عنصر را می‌توان اجزای تشکیل‌دهنده یک سفر «زیارتی» دانست: حرکت، انگیزه‌های معنوی (معطوف به معنا)، و مقصد مقدس (تجسم یک ایده‌آل ارزش‌مند) (مزینانی و کاشی ۱۳۹۴: ۱۵).

- مهسا ۲۲ ساله از تهران: «وقتی می‌خوام برم سفر زیارتی، نقش زیارتگاه را برای خودم برجسته می‌کنم، از ابتدای سفر دعا می‌خونم و خودمو آماده می‌کنم».

- زهرا ۲۲ ساله از آباد: «وقتی می‌خوام برم سفر زیارتی مطمئنم که آقا خودش می‌بره و میاره، از اولش قصد زیارت می‌کنم».

### ۲.۱.۱.۵ چالش سفر

باتوجه به فطرت انسان که همواره در جست‌وجوی معناست، گردش‌گران از فاصله‌های دور و نزدیک رنج و سختی سفر را تحمل می‌کنند تا به هدف خود و حضور در مکان زیارتی برسند و خاطره و شیرینی سفر را هم تا مدت‌ها برای خود یادآوری می‌کنند. بخشی از تجربه این گردش‌گران چالش‌هایی بود که در سفر مذهبی با آن روبه‌رو شده بودند. اما انرژی‌ای که این چالش و سختی را برای آن‌ها قابل تحمل کرده بود ازسوی آن‌ها این‌گونه بیان می‌شد: طلبیده‌شدن ازسوی امام‌زاده، پاداش اخروی، و حکمت خداوند.

- آمنه ۲۴ ساله از کوار: «وقتی نگاه می‌کنی سفر برای تغییر روحیه است که خستگی را از تن بیرون می‌بره، اما شیرینی‌اش تا مدت‌ها ماندگاره و تلخی‌هاش محو می‌شن».

- حمیده ۴۴ ساله از کرج: «هر اتفاقی در سفر حکمتی داره، آدم برای رسیدن به هر جایی باید سختی بکشه، سفر زیارتی می‌تونه با سختی هم‌راه باشه و می‌تونه نباشه، مهم رسیدن به مقصده».

- مرجان ۲۴ ساله از سمیرم: «رنجی که تو سفر می‌کشم سبب می‌شه با دل شکسته پیام، زیارت را بهتر انجام بدم و این رنج می‌شه توشه آخرتم».

- رقیه ۳۶ ساله از تهران: «در یکی از سفرهای زیارتی‌ام، ماشین خراب شد. بعد از کلی دردسر که ماشین درست شد و رسیدیم، روز آخر سفر که رفتم حرم برای زیارت آخر و خداحافظی، موقعی که نماز زیارت تموم شد بلند شدم برم دیدم کفشم نیست. هرچی با خدام گشتیم نبود، کلاً تجربه عجیبی بود اما من دید مثبتی داشتم، برگشتم رو به حرم گفتم آقا کفشمو این‌جا گرو می‌ذارم و ازت می‌خوام بازم دعوت‌کنی تا پیداش کنم. الان دفعه پنجمه که دارم میام».

### ۲.۱.۵ رهایی از روزمرگی

جدایی از زندگی روزمره و رهاشدن از هرآنچه سبب تعلق و وابستگی می‌شود در سفر زیارتی به‌خوبی مشهود است. ویکتور (Victor) و ادیت ترنر (Edit Turner)، با بیان مفهوم

«آستانگی»، به وضعیتی اشاره می‌کند که افراد از ساختارهای اجتماعی جدا شده‌اند، اما هنوز وارد ساختار جای‌گزینی نیز نشده‌اند. زیارت در رویکرد ترنری، چنین وضعیت آستانگی‌ای را ایجاد می‌کند، چراکه زائران را از محیط روزمره و معمول خود جدا می‌کند و آن‌ها می‌توانند در این وضعیت نوعی رهایی از ساختارها، سلسله‌مراتب، و محدودیت‌های محیط عادی زندگی روزمره را تجربه کنند. در این رویکرد می‌توان ردپای نوعی حس «رهایی» حاصل از وجه آستانگی زیارت را مشاهده کرد (Turner 1987).

- فریبا ۴۴ ساله از صفاشهر: «زیارت را برای رهایی از آدمای اطرافم، رهایی از زمین دوست دارم».

- راضیه ۳۵ ساله از بوشهر: «وقتی میام زیارت کلاً از همه وابستگی‌هام دور می‌شم، برای چند ساعتی قید همه چیو می‌زنم. حتی سعی می‌کنم بچه‌هامو هم نیارم، می‌خوام برای خودم باشم، دنبال یه گوشهٔ دنجم».

### ۳.۱.۵ تجربهٔ عاطفی

عاطفه (emotion) جزء جدایی‌ناپذیر دین است، دین‌داری همیشه عاطفه‌ای با خود به‌هم‌راه دارد. عاطفه هم شخصی و هم رابطه‌ای، هم خصوصی و هم اجتماعی، هم زیستی، و هم فرهنگی است. عاطفهٔ دینی، نه‌تنها در ارتباطات اجتماعی، بلکه در ارتباطات فرااجتماعی مانند امور مقدس، صنایع مقدس، متون قدس، و ... ساخته می‌شود. عاطفه برای نشان‌دادن پویایی‌ها و نیروی انگیزش (تحریک‌کننده) مناسب است، اما تمایل این واژه به ارائهٔ مفهومی فردی/شخصی است که عاطفه را به‌عنوان حالتی درونی در نظر می‌گیرند (Riss and Woodhead 2010).

احساس کردن با شناختن و فهمیدن فرق می‌کند. انسان خیلی از چیزها را می‌بیند، ولی شناختی از آن ندارد. با سعی و تلاش خیلی چیزها را می‌شناسد، ولی احساس نمی‌کند. اما برخی از مفاهیم و مصادیق را احساس می‌کند، یعنی از اعماق جان با آن یکی می‌شود و آن را درک می‌کند، گرچه شاید نتواند آن را وصف نماید، از اعماق جان آن را می‌فهمد. این احساس یعنی شناخت، آرامش، و پاسخ نیاز روحی. غلیان احساس افراد را با جمع هم‌سو می‌کند، ولی هم فرد و هم جمع واقعیت برتر را می‌پرستند. فرد در جمع با جمع است، با جامعه است، و تحت‌تأثیر روح جمعی است، اما دلیلی ندارد که آن را بپرستد. بسیاری از کنش‌گران زمانی که در فضای مقدس قرار می‌گرفتند احساسات متفاوتی را تجربه می‌کردند.

- مریم ۴۰ ساله از اهواز: «وقتی می‌رم تو حرم، گریه می‌کنم، به وسیله گریه آرام می‌شم، گاهی با حس و حال زیارت‌نامه می‌خونم و تأثیر می‌گذاره، اما وقتی حس و حال نداری، تأثیر نداره. وقتی غمگینی با حال می‌خونی».

- حسنی ۴۴ ساله از بندرعباس: «وقتی میام زیارت دلم می‌لرزه، یاد گناهام می‌افتم، بعضی وقت‌ها، زبانم بسته می‌شه، قلبم می‌شکنه...».

حس و حال افراد گاهی از طریق تنبیه و توبیخ خود تغییر می‌کند و گاهی در ایجاد احساسات دینی علاوه بر خود فرد ممکن است سایر عوامل هم‌چون یادآوری مصائب بزرگان دین، سختی‌ها، و چالش‌های دینی نیز مؤثر باشد:

- صغری ۵۰ ساله از شاهین‌شهر: «در خلوت خودم گریه می‌کنم، عصبانی می‌شم، اما بعدش عذرخواهی می‌کنم و جبران می‌کنم».

- فاطمه ۱۹ ساله از سمنان: «موقع زیارت دچار هیجان می‌شم، می‌ریزم به هم، مو به تنم سیخ می‌شه. با دل شکسته می‌رم زیارت. ظلم‌هایی که به ائمه شده را به یاد می‌آرم».

#### ۴.۱.۵ اتصال و عینیت بخشی

زیارت ارتباط زنده و مؤثری است که از سوی دو طرف زنده ایجاد می‌شود و این بدین معناست که نفس زائر با نفس و جان مزور ارتباط برقرار می‌کند و هرگز زیارت ارتباط زائر با بدن مدفون مزور نیست، بلکه بدن تنها به لحاظ تعلق و وابستگی شدید و جودی بین جان و تن مزور است که علامت گویا و نشانه‌ای رسا از مزور را به هم‌راه دارد. دوم این‌که ارتباط و توجه خاص مزور به بدن موجب می‌شود بدن و جسد او نوعی مرکزیت و محوریت پیدا کند و همین مایه توجه و زیارت قبر و بدن می‌شود (جوادی ۱۳۸۸: ۲۶).

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های گردش‌گران مذهبی علاقه بسیار زیاد آن‌ها به بقعه متبرکه است. ارتباط و اتصال با معصوم از این باور نشئت می‌گیرد که معصوم سرچشمه خیر و نیکی و واسطه فیض الهی است. شیوه برقراری اتصال با معصوم از سوی برخی گردش‌گران به صورت قلبی و روحی است و برای برخی به صورت فیزیکی.

#### ۱.۴.۱.۵ اتصال قلبی در مکان

اتصال قلبی در مکان از آن‌جا برای افراد ایجاد می‌شود که از نظر آن‌ها امام شنونده‌ای بیناست و از طریق انرژی‌ای که برای افراد حاصل می‌شود میزان اتصال شدت می‌یابد.

- فاطمه ۳۰ ساله از کاشان: «امام‌زاده‌ها واسطه فیض الهی هستند، همین که حس می‌کنم یکی این جاست که منو می‌بینه و به حرفم گوش می‌کنه، سیم‌های اتصال وصل می‌شه».

- سیما ۲۳ ساله از مشهد: «آرامش خاصی دارم، از دل خودم حرف می‌زنم و کم‌تر به زبون میارم، انرژی خاصی می‌گیرم».

- رقیه ۳۵ ساله از مراغه: «با زیارت آدم سبک می‌شه، فکر کنم نقطه اتصال فرد به خدا توی این مکان‌ها روان‌تر انجام می‌شه و اینم فکر کنم به خاطر فضای معنویه حضور امامزادس».

### ۲.۴.۱.۵ زیارت ضریح

اتصال فیزیکی برای آن‌ها احساسی از اعتماد و قدرت را به وجود می‌آورد که برای ساعاتی تسکین‌بخش آرام و دردهای آن‌هاست. از جنبه‌های جالب توجه در زیارت ویژگی عینیت‌بخشی است که برخی از زائران برای زیارت بهتر برای خود ایجاد می‌کنند.

- مریم ۲۳ ساله از تهران: «زیارت از نظر من حس روانی خیلی قشنگیه، لحظه‌ای که دستم را به ضریح می‌رسونم، توی اون لحظه حس می‌کنم تمام دنیا در مشت منه و هیچ مشکلی ندارم».

- لیلا ۴۸ ساله از اصفهان: «با اون شدت دوست ندارم برم بچسبم چون احساس می‌کنم بی‌احترامیه، شوق و شور هست اما سریع تداعی می‌کنم، اما دوست دارم لمسش کنم، حس خوبی دارم، همه چیز ما زمینیا جنبه مادی داره، احساس می‌کنم واقعاً بهش رسیدم».

- مرضیه ۴۰ ساله از تهران: «اوایل یه دیدگاه روشن‌فکری بود که هر جا سلام بدی کافیه، اما واقعاً در بعضی جاها لازمه تو فضا باشی. مادر شهیدی می‌گفت اصلاً لازم نیست هل بدی، بگو من می‌خوام دستم برسه. با همین جمله که منو بپذیر، اگر صلاح می‌دونی، می‌بینی که بی‌هیچ فشاری می‌رسی، انگار دست می‌ذاری تو دستش».

اتصال و نزدیکی نوعی بیعت و تجدیدپیمان دانسته می‌شود که خود را ملزم به آن می‌دانند؛ پیمان و بیعتی که شکلی از مبادله نیز در آن یافت می‌شود:

- طاهره ۳۹ ساله از قائم‌شهر: «چسبیدن به حرم را نوعی بیعت می‌دونم، انگار دارم تجدیدپیمان می‌کنم».

- ثریا ۴۰ ساله از قم: «اذن دخول می‌خونم اتصالم لحظه ورود برقرار می‌شه، اشکم جاری می‌شه، اون موقع است که می‌فهمم متصل شدم. دوست دارم به اون آدم بزرگ نزدیک شم تا در زمان‌های موردنیاز کمکم کنه».

### ۵.۱.۵ تعامل

مکان‌های زیارتی عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در میان گردش‌گران هستند. افراد براساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و براساس توقعات، هنجارها، و نقش‌های معین خود به آن می‌پردازند. بنابراین، نحوه حضور فرد در مکان به‌همراه دیگران عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افرادی را که با خصوصیات مشابه آن‌ها به‌لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان، و نژاد مشابه در این مکان‌ها حضور دارند، بشناسند. اما با آن‌که همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است، درعین حال، مکان‌های اجتماعی غیرهمگن نیز فرصتی است تا افراد باهم‌بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (Marcus and Sarkissian 1986).

درواقع فضاهای عمومی با داشتن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی (ولو شکننده و ناپایدار) در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از «انعقاد» اولیه تعامل اجتماعی، تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است؛ خود زمینه‌ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (Ghanbaran 2004). تعاملات صورت‌گرفته در مکان‌های زیارتی به سه صورت تعامل فردی، میان‌فردی، و فرامادی است که هر یک از سوی افراد از جنبه‌های متفاوتی قابل توجه است:

### ۱.۵.۱.۵ تعامل فردی

در زیارت، ضمن آن‌که آدمی با جمع است، از فردیت خود نیز دور نیست. هروقت که لازم باشد به درون خود پناه می‌برد و این فرورفتن در خود سرآغاز بازاندیشی و تحول و دگرگونی است. حضور در مکان مقدس و انجام مناسک فرصتی را برای آن‌ها فراهم می‌کند که سفری نیز به درون خود داشته باشند و با جست‌وجو و کنکاش به دنبال کشف جنبه‌های ناشناخته و بازسازی جنبه‌های شناخته‌شده باشند و گاهی کنش‌گر تحت تأثیر عظمت و جبروت مکان مقدس گذری به مواهب و داشته‌هایش دارد:

– سمانه ۳۲ ساله از نورآباد: «توی حرم که نشستم حس می‌کنم به خدا نزدیک‌ترم، وقتی خلوت می‌کنم واقعیت وجود خودم را می‌بینم، سعی می‌کنم خودم را اصلاح کنم، یه جوری انگار پاک‌سازی روح داره صورت می‌گیره».



- مرضیه ۵۰ ساله از شهرضا: «وقتی با خودم خلوت می‌کنم، اکثراً همه چیزهایی که خدا داده و من قدرشو ندوستم یا شکرش را به‌جا نیاوردم، به‌یادم می‌آید».

- مهسا ۳۴ ساله از کرج: «توی زیارت واقعیت وجود خودتو می‌بینی، می‌بینی خلوت می‌کنی، سعی می‌کنی خودتو عوض کنی».

### ۲.۵.۱.۵ تعامل میان‌فردی

برقراری ارتباط خوب و سازنده با دیگران از مقدمات آرامش است که آن خود مستلزم داشتن بینش مثبت به دیگران است که سبب ایجاد منبعی از انرژی و روابط مستمر می‌شود. گاهی نداشتن چنین بینشی به دیگران سبب به‌انزوافتن می‌شود. برقراری ارتباط خوب و سازنده خود مستلزم شرایطی است از جمله اعتمادی که طرفین باید به یک‌دیگر داشته باشند.

- ماندانا ۲۹ ساله از رستم: «وقتی با دیگران حرف می‌زنی، اولین کمکش اینه که آروم‌تر می‌شی، مشکلات بقیه را می‌بینی و به این دید می‌رسی که خودت تنها نیستی که مشکل داری، پس حل کردن مشکل راحت‌تر می‌شه».

- شمیم، ۳۸ ساله از تهران: «آدم برای هرکسی نمی‌تونه سفره دلش را باز کنه. معمولاً اگر بشناسم، ارتباط برقرار نمی‌کنم، اما اگر خانم کناری صحبت کنه، گریزی به زندگی‌ام می‌زنم و از تجربیاتم می‌گم. باید بینم اون طرف می‌تونه کاری برای من بکنه».

### ۳.۵.۱.۵ تعامل فرامادی

در زیارت نیز به نوع خاصی از احساسات مذهبی و نیز رابطه انسان به‌عنوان برترین مخلوق، با تنها خالق برمی‌خوریم که این رابطه آن را از یک مقوله مناسکی و آدابی خشک جدا می‌کند. عشق و علاقه مخلوق به خالق در بالاترین سطح هویدا می‌شود. تمکین و اطاعت محض اعتقادی مخلوق کاملاً از نوع خودخواسته است (حیدرآبادی ۱۳۹۱: ۲۰).

- محدثه ۲۵ ساله از ابرکوه: «حس می‌کنم یه جوری دارم دیده می‌شم. برای ارتباط اول استغفار می‌کنم و با خدای خودم حرف می‌زنم. نمی‌شه سر خدا کلاه گذاشت. بهش می‌گم یه لطفی به من کن».

- سمیه ۳۶ ساله از اردکان: «ارتباطم با دیگران خیلی کمه، چون اغلب از مشکلاتشون می‌گن. حس آرامش و انرژی مثبت را ازم می‌گیره. اعتقاد دارم که این‌جا فقط باید وقت برای امام‌زاده بذاریم».

آنچه سبب می‌شود چنین تعاملاتی با خدا به‌عنوان خالق و امام‌زاده به‌مثابه شخصیتی برخوردار از ویژگی‌های خاص الهی عمق یابد میزان شناخت و اعتمادی است که از تجربیات قبلی شکل گرفته است:

- صدیقه ۴۸ ساله از هرمزگان: «ارتباط من و امام‌زاده دوطرفه‌ست، البته زمانی که به صلاح آدم باشه و خود خدا بخواد، ایشون واسطه‌اند».

- سارا ۲۳ ساله از سپیدان: «وقتی شناخت از امام‌زاده داشته باشم، بهتر ارتباط برقرار می‌کنم. ارتباطم را قطع نمی‌کنم چون اعتقاد دارم چیزی که اجابت نشه حکمه و ممکنه من هیچ‌وقت نفهمم».

### ۶.۱.۵ تنوع ارزشی

ارزش‌ها، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ (چلبی ۱۳۷۵: ۱۰) و نظام شخصیتی افراد، بر الگوهای رفتاری و فکری، رفتارها و ترجیحات سیاسی و اجتماعی، و ... تأثیر بسیار مهمی دارد. پی‌بردن به نظام ارزشی جامعه ما را با عناصر فرهنگی آن جامعه، که سوق‌دهنده کنش و رفتار افراد است، آشنا می‌کند. نظام شخصیتی هر جامعه در بطن نظام ارزشی آن جامعه نهفته است و با کسب آگاهی و بینش درباره این نظام ارزشی می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر آن بر نظام شخصیتی آن جامعه دست یافت. ارزش‌ها الگوهای رفتاری عینی‌ذهنی نسبتاً پایداری هستند که مطلوب‌بودن آن‌ها از سوی افراد جامعه برای مدت‌زمان معینی پذیرفته شده و به‌مثابه راه‌نمای اعمال انسان‌ها عمل می‌کنند (پوریانی ۱۳۸۵: ۵۱).

زیارت موجب استیلائی موجهی از ارزش‌ها و باورهای اعتقادی، اجتماعی، و فرهنگی بر گردش‌گران می‌شود. ارزش‌های دینی که در زیارت به‌نمایش درمی‌آید، هنجارهای دینی که افراد در سفر زیارتی ملزم به رعایت آن‌ها هستند، و فرهنگ دینی که می‌آموزند عمیقاً بر چگونگی فهم افراد از خودشان و دیگران تأثیر می‌گذارد. افراد به نوزایی هویت و شخصیت خود فکر می‌کنند و سعی دارند وجود و اعتقاد خود را دوباره از نو در زیر بار هنجارهای این سفر صیقل دهند. ازجمله این ارزش‌ها می‌توان به ارزش‌های دینی، اعتقادی، و اجتماعی اشاره کرد.

- حمیده ۲۳ ساله از نیشابور: «وقتی که می‌خوام برم زیارت خیلی آروم و متواضع حرکت می‌کنم، قدم‌هام را طوری برمی‌دارم که هیچ مورچه‌ای هم اذیت نشه، چه برسه به سایر زائرها».

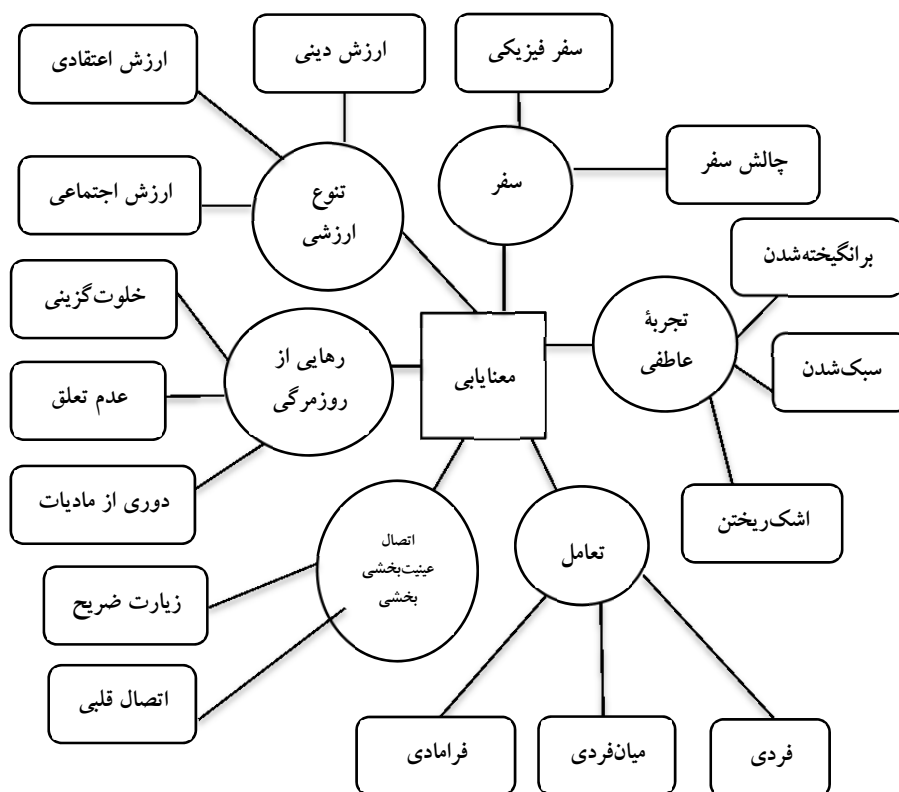
- رقیه ۴۱ ساله از هرند: «زیاد سعی نمی‌کنم برم جلو و بچسبم به ضریح. با فشرده‌کردن دیگران آقا هم ناراحت می‌شن، یه جور حق الناسه».

- فاطمه ۲۸ ساله از سی‌سخت: «اعتقاد دارم زیارت من وقتی وارد قیامت می‌شم مثل یه چراغ روشن‌گر راهمه. من با تمام سختی‌ها میام زیارت تا خود آقا منو شفاعت کنه».

## ۶. نتیجه‌گیری

گردش‌گری افراد را با مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت به یک‌دیگر پیوند می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا هم‌دیگر را با وجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی بهتر درک کنند. زیارت بخش مهمی از فعالیت‌های مربوط به گردش‌گری مذهبی را در بر می‌گیرد. اگر نگاهی به آیه ۱۵۶ سوره بقره بیندازیم، درمی‌یابیم که در فرهنگ اسلامی هدف اصلی از خلقت رشد و ارتقای معنوی است؛ از این رو، یکی از راه‌های تقویت معنویت و ایجاد ارتباط با معبود زیارت است. بسیاری از اوقات، مسیر زیارت هم‌راه با عشق و از خودگذشتگی است. زیارت پیوند قلبی است نه محاسبه عقلی، لذا عمق و تأثیرگذاری آن در امور مادی به مراتب بیش‌تر است. آنچه زائر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و استقبال از خوف و خطر وا می‌دارد کشش درونی و علاقه قلبی اوست (حیدرآبادی ۱۳۹۱: ۷۴).

در این پژوهش، معنایابی کنش‌گران زن در گردش‌گری مذهبی مطالعه شده است. این پژوهش برای توصیف این موضوع که این معنا چگونه برساخته می‌شود، طراحی و انجام شده است. در این راستا، با استفاده از رویکرد مردم‌نگاری به‌مثابه راه‌برد عملیاتی تحقیق به موضوع بررسی توجه شد. برای انجام پژوهش با ۳۰ نفر مصاحبه عمیق شد و گفت‌وگوها تا اشباع اطلاعات ادامه یافتند. مصاحبه‌ها در قالب گفت‌وگو و با طرح چند سؤال کلی برای مشارکت‌کننده‌ها انجام شد. معیارهای اصلی انتخاب افراد برای مصاحبه داشتن تجربه عمیق از زیارت، گردش‌گر بودن، و داشتن جنسیت زن بود. برای انتخاب افراد و نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدف‌مند استفاده شد. ترکیب سنی مشارکت‌کننده‌ها از ۱۸ تا ۵۶ سال و میزان تحصیلات از دیپلم تا دکتری بود. گفت‌وگوها پس از پیاده‌سازی در دو سطح دسته‌بندی شدند و سپس براساس روش تحلیل موضوعی یافته‌ها تحلیل شدند. تم اصلی، سازمان‌دهنده، و کلی به‌صورت زیر تدوین و ساخت‌بندی شد.



نمودار ۱. تم کلی معنایابی

هدف این پژوهش پاسخ‌گویی به این پرسش است که کشف معنا از سوی گردش‌گران زن در سفرهای زیارتی چگونه صورت می‌گیرد.

همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان داد، سفر زیارتی از یک سو سفری فیزیکی است و از دیگر سو سفری درونی. سفری فیزیکی که با توجه به هدف و انگیزه آن تحمل هرگونه رنج، سختی، و چالش را آسان می‌کند و سفری درونی که جنبه‌های ناشناخته وجودی کشف و جنبه‌های شناخته‌شده در صورت لزوم بازسازی می‌شوند. در واقع، چنین سفری برای زنان فرصتی مغتنم است که از کارهای روزمره جدا شوند و به کنکاشی عمیق پردازند تا گمشده‌های درونی خود را بیابند. سفر تنها نقطه آغاز این مسیر است، در این میان آنچه حائز اهمیت است جست‌وجوی خود حقیقی با نوعی رهایبی از روزمرگی و جدایی از تعلقات همراه است.

همان‌گونه‌که کوهن بیان می‌کند، گردش‌گر وجودی فردی است که با کانون بیرونی انتخابی ارتباط دارد، از زندگی فاصله می‌گیرد، و گویی که در تبعید زندگی می‌کند. تجربه زندگی در کانون مسافر را در زندگی روزانه به‌صورت تبعیدی نگه می‌دارد. افرادی که به‌دلایل واقعی قادر به حرکت مداوم به‌سوی کانون انتخابی خود نیستند، اما در دو دنیا زندگی می‌کنند، دنیای زندگی روزانه آنان که در آن سرگرمی‌های مفیدی را دنبال می‌کنند، اما برای آنان فاقد معنا و مفهوم عمیق‌تری است و دنیای کانون انتخابی‌شان که در سفرهای دوره‌ای آن را ترک می‌کنند تا ارزش معنوی بیابند. کانون گردش‌گر وجودی از همان ابتدا کانون فرهنگ وی نیست. کانون‌گزینش اوست و به آن گرویده است. از این‌رو، کانون نه‌فقط خارج از منزل روزانه‌اش است، بلکه فراتر از مرزهای جهان هستی روزانه‌اش قرار می‌گیرد و از ارزش کارش نمی‌کاهد. بنابراین، در تبعید به‌سر می‌برد (آپوستولوپوس ۱۳۸۳: ۸۰).

نتایج تحقیق نشان داد امروزه زنان دچار نوعی روزمرگی و وابستگی شده‌اند. چنین گردش‌گرانی در سراسیمگی شهرهای امروز، به‌دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا، علاوه‌بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند (عبداللهی ۱۳۸۹: ۸۳). گردش‌گران در زیارت با هم در فرایند تعامل اجتماعی قرار دارند. افراد با هم تعامل می‌کنند، خودشان را به یک‌دیگر عرضه می‌دارند و هویت جدید می‌یابند. در زیارت نوع تعامل انسان‌ها با هم تغییر می‌کند، شرایط جدیدی در روابط آن‌ها فراهم می‌گردد و هویت «خودها» تغییر می‌کند. هم افراد و هم جمع ماهیتی جدید می‌یابند، زیارت قطعاً متضمن تعامل با خداست، اما علاوه‌بر آن متضمن تعامل میان انسان‌ها نیز است. دورکیم معتقد است که تعامل اجتماعی عملاً منبع و علت دین است (زاکرم ۱۳۸۴: ۴۲).

هم‌چنین، یافته‌های تحقیق حاکی از این است که مکان مذهبی مکانی است که خلأ تعاملات را پوشش می‌دهد. همان‌گونه‌که نظریه کنش متقابل نمادین بیان می‌کند، گردش‌گران با روش‌هایی گوناگون به تجربیات خود از گردش‌گری معنا می‌بخشند. آن‌ها از طریق تعاملات به کنش‌های خود معنا می‌بخشند و آن‌ها را تفسیر می‌کنند. در سراسیمگی‌های زندگی روزمره تعاملات بین‌فردی می‌تواند چند ساعته آرامش را برای افراد ایجاد کند و از طریق صحبت و دریافت راه‌کارهای هم‌نوعان خود، امید و امیدواری در آن‌ها ایجاد شود و ازدیگرسو از طریق تعامل فرامادی، پاسخ سؤال‌های خود را در عمق وجودشان جست‌وجو کنند و پاسخ سؤال‌هایی درباره‌ی اساس خلقت و وجود خالق را در

اصل و ریشه فطری خود بکاوند. در قالب چنین تعاملاتی، فضای احساسی خاصی در مکان مذهبی شکل می‌گیرد. همان‌گونه که در نظریه مبادله مطرح می‌شود، عاطفه در قالب واکنش‌های روان‌شناختی به برخی تعاملات اجتماعی خاص تعریف می‌شود (Gordon 1986: 135). در نظریه کنش متقابل نمادین، عاطفه به منزله اشیا اجتماعی که افراد و گروه‌ها نسبت به آن‌ها دست به کنش می‌زنند، مطرح می‌شود (ریترز ۱۳۷۴: ۳۰۴). در این نظریه ادعا می‌شود که انسان‌ها باتوجه به تعریفی که از موقعیت دارند احساسات خود را کنترل می‌کنند و بروز می‌دهند (Shott 1979).

از آن‌جاکه در زنان بعد عاطفی و احساسی نیرومندتر است و طبق تحقیق و تصدیق همه کارشناسان مربوط و متخصصان در ابعاد حیات زن، عواطف در زنان قوی‌تر و شکوفاتر است (دواتگران ۱۳۹۶: ۳)، نتایج پژوهش حاضر نیز بیان می‌کند که تجربه عاطفی حاصل از زیارت از یک سو همان‌گونه که کالینز (1998) بیان می‌کند، سبب برانگیختگی و ایجاد کنش می‌شود و از دیگر سو «انرژی احساسی» را به وجود می‌آورد. چنین انرژی احساسی سبب درگیر شدن هر چه بیشتر کنش‌گران در کنش زیارت و افزایش تعاملات آن‌ها می‌شود. چنین انرژی‌ای میزان شناخت و درک آن‌ها را نیز بالا می‌برد، هیجانات منفی ناامیدی و تنهایی را کاهش می‌دهد، و احساس تعلق و پیوند با خداوند متعال را افزایش می‌دهد.

چنین فضای احساسی و تجربه عاطفی‌ای سبب می‌شود که مکان مقدس از حالت خشک و مناسکی خارج شود و به شکلی انعطاف‌پذیرتر کنش‌گران عرصه زیارت را در خود پذیرا شود. در این جاست که اتصال و نزدیکی میان خالق و مخلوق به شکل فیزیکی و قلبی پدیدار می‌گردد. چنین اتصالی درکنار رعایت ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، و اعتقادی به صورت رفت و برگشتی کنش‌گر را به تأمل در خود فرا می‌خواند و در این جاست که، همان‌گونه که «آرگایل» (Argyle) مدعی است، سازوکار اصلی در پس عقاید مذهبی نوعی میل کاملاً شناختی به «فهمیدن» است و «کلارک» (Clark) اذعان می‌دارد که «دین بیش از هر کارکرد انسانی دیگر نیاز به معنا را در زندگی برآورده می‌کند». «مازلو» (Maslou) معتقد است که نیاز به فهمیدن بخشی از نیازهای شناختی انسان است. هم‌گام با او، «مارگارت مید» جست‌وجوی معنا را امری عام قلمداد کرد و آن را «حس کیهانی» نامید (اسپیلکا و همکاران ۱۳۹۰: ۸۰).

زیارت سفری است که یک شخص در جست‌وجوی حالتی انجام می‌دهد که معتقد است دربردارنده آرمانی ارزشی است و مقارن با پایان سفر زیارتی، زائر با ساختارهایی نمادین احاطه می‌شود؛ مانند ساختمان‌های دینی، تصاویر، مجسمه‌ها، و خصوصیات مقدس

هر مکان که در داستان‌ها و افسانه‌ها آمده است. شاید همین طبیعت کشف و شهودی برون‌گرای زیارت باشد که باعث شده است زیارت به بشریت در سطحی جهانی پیوند خورد. یعنی زیارت بیان‌کننده جست‌وجویی روحانی و جودی به‌سوی نیرویی ماوراست. بنابراین، زیارت به زائر کمک می‌کند که به چشم‌اندازی درونی دست پیدا کند و به سفری فراتر از زمان و مکان برود. اگرچه زیارت در شرایط زمانی و اجتماعی و تاریخی خاصی رخ می‌دهد، انعطاف شخصیتی و روحانی یک فرد شامل یک «پروسه درونی مرحله‌بندی شده» و آن‌گونه که ترنر پیش‌نهاد می‌کند، به هدفی روحانی فراتر از مفهوم‌سازی منجر می‌شود.

## کتاب‌نامه

- اسپیلکا، برنارد و همکاران (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد.
- آپوستولوپوس، یورکوس (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی گردش‌گری*، ترجمه بیژن شفیعی، رشت: وارسته.
- باقرنیا، آذین و رضا احمدیان (۱۳۹۳)، *مبانی گردش‌گری فرهنگی*، تهران: تیسا.
- بهروان، حسین (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی زیارت: با تأکید بر نیازهای زائران در حرم امام رضا علیه‌السلام»، *مشکوه*، ش ۷۲ و ۷۳.
- پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «تبیین مفهوم ارزش با رویکرد جامعه‌شناختی»، *فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، دانشگاه آزاد واحد خلخال، ش ۱۱.
- جوادی، مرتضی (۱۳۸۸)، *فلسفه زیارت و آیین آن*، قم: اسراء.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- حیدرآبادی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، *توسعه صنعت گردش‌گری در چشم‌اندازی جامع*، قم: مؤلف.
- دواتگ‌ران، مرجان (۱۳۹۶)، «زنان، آفرینش، معنویت، و عقل»: <http://www.porsojoo.com/fa/node/323>.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زاکرم، فیل (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: لوح فکر.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فرشید رحیمی (۱۳۹۲)، «رابطه دین‌داری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی»، *راه‌برد فرهنگ*، ش ۲۴.
- شفیعا، سعید (۱۳۹۵)، «فراتحلیلی بر روش‌شناسی و یافته‌های مطالعات کیفیت زندگی گردش‌گری مقالات فارسی و انگلیسی»، *نشریه گردش‌گری علم و فرهنگ*، ش ۲.
- شفیعا، سعید و ثنا محمدی (۱۳۹۶)، «ارائه الگوی تجربه معنوی گردش‌گران زن از هیچ‌هایک بررسی موردی زنان تهرانی»، در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس گردش‌گری و معنویت*، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

- شمسی‌پور، علی‌اکبر، رحیم فرخ‌نیا، و راحله علیرضایی (۱۳۹۳)، «معنایابی و معناسازی متقابل گردش‌گر و گردش‌گری، مطالعه موردی شهر همدان»، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردش‌گری*، س ۳، ش ۱۱.
- طالبی، ابوتراب و الهه براق‌علی‌پور (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی زیارت و دین‌داری زائران: معناکاوی کنش زیارت زائران امام رضا»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۶۹.
- عبداللهی، مجید (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله باز تعریف آن»، *نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۲.
- محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷)، «مبانی پارادایمی روش مردم‌نگاری و نظریه زمینه‌ای در پژوهش کیفی: اصول نظری و شیوه‌های عملی»، *فصل‌نامه پژوهش علوم انسانی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان*، ش ۱۷ و ۱۸.
- مزیانی شریعتی، سارا و شیوا غلامرضا کاشی (۱۳۹۴)، «سیالیت دینی (مطالعه موردی زیارت مزار سهراب سپهری)»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، ش ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *امامت و رهبری*، قم: صدرا.
- موسوی، میرنجف، افشار کبیری، و علی باقری کشکولی (۱۳۸۷)، «بررسی نقش امام‌زادگان در توسعه گردش‌گری زیارتی، مطالعه موردی: حرم مطهر حضرت احمد بن موسی (ع)»، *جغرافیا و توسعه*، ش ۱۰.
- واخ، یواخیم (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: سمت.
- یوسفی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۳ و ۴.

- Andriotis, K. (2008), "Sacred Site Experience a Phenomenological Study", *Annals of Tourism Research*, vol. 20, no. 4.
- Bhardwaj, S. M. (1973), *Hindu Places of Pilgrimage in India*, Berkeley: University of California.
- Collins, N. (2010), "Current Jewish Pilgrimage Tourism: Modes and Models of Development", *Preliminary Communication (Tourism)*, vol. 58.
- Collins, R. (1981), "On the Micro Foundations of Macrosociology", *American Journal of Sociology*, vol. 86, no. 5.
- Collins, R. (1990), "Stratification, Emotional Energy, and the Transient Emotions", in: *Research Agenda in the Sociology of Emotions*, Theodore Kemper (ed.), Albany, N. Y.: Sunny Press.
- Colmen, S. (2002), "Do you Belive in Pilgrimage? Anthropological Theory", *Annals of Tourism Research*, vol. 2, no. 3.
- Creswell, J. W. (1998), *Qualitive Inquiry and Research Design: Choosing among Five Traditions*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Drule, M., A. Chis, M. Bacila, and R. Ciornea (2012), "A New Perspective of Non-Religious Motivations of Visitors to Sacred Sites: Evidence from Romania", *Social and Behavioral Sciences*, vol. 5, no. 6.



- Ghanbaran, A. H. (2004), *Iranischer Basarim Wandel*, Dissertation, Stuttgart University.
- Glaser, B. and A. Strauss (1967), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Hawthorne, N. Y.: Aldine Transaction.
- Goeldner, C. R. and J. B. Ritchie (2003), *Tourism-Principles, Practices, Philosophies*, New Jersey: John Wiley & Sons Publisher.
- Gordon, Steven L. (1986), "Micro-Sociological Theories of Emotion", in: *Micro-Sociological Theory: Perspectives on Sociological Theory*, S. N. Eisenstadt and H. J. Helle (ed.), vol. 2.
- Hinmon, A. (2002), *An Anthropological Exploration of Intersecting Cultures*, London: Sage.
- Kelly, J. R. (1982), *Leisure, Englewood Cliffs*, N. J.: Prentice Hall.
- Marcus, C. C. and W. Sarkissian (1986), *Housing as if People Mattered*, Berkeley: University of California Press.
- Marina Abad, G. et al. (2016), "Pilgrimage as Tourism Experience: the Case of the Ignatian Way", *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, vol. 4.
- Morinis, Alan (1992), *Sacred Journeys*, USA: Green Wood Press.
- Riss, O. and L. Woodhead (2010), *A Sociology of Religious Emotion*, Oxford: Oxford University Press.
- Rysbekova, S., A. Duissenbayeva, and I. Izmailov (2014), "Religious Tourism as a Sociocultural Phenomenon of the Present, 'The Unique Sense Today is a Universal Value Tomorrow. This is the Way Religions are Created and Values are Made' ", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. 143.
- Santos, M. (2000), *Fátima: Religious Tourism in a Sanctuarycity*, in: 6 World Leisure Congress, Bilbao, 3 a 7 de Julho.
- Shott, Susan (1979), "Emotion and Social Life: a Symbolic Interactionist Analysis", *American Journal of Sociology*, vol. 84, no. 6.
- Strauss, A. and J. Corbin (1998), *Basic of Qualitive Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Turner, V. W. and E. Turner (1978), *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, New York: Columbia University Press.